



یک قور ظریف قور باغه‌ای

نویسنده و تصویرگر:
غزاله بیگدلو





ساعت‌ها از نیمه‌شب گذشته بود. پاپالا هنوز بیدار بود.
هزار بار مگس‌هایش را شمرده بود، اما خوابش نمی‌برد.
دلش می‌خواست مثل قورباغه‌های دیگر چشم‌هایش را ببندد و
خواب ببیند.